

## چندگانگی هویت در تمدن اطلاعاتی (چشم‌اندازی جغرافیایی از فضای بینامتنی)

دکتر جعفر جوان\*

عبدالله عبداللهی\*\*

### چکیده

هویت یا تصور از خویش‌نشدن فرایند معناسازی براساس یک یا مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی است، که بر منابع معنایی دیگر اولویت دارد. تصور از خویش‌نشدن که از سپیده‌دم جامعه بشری سرچشمه معنا بوده، نه امری ذاتی و طبیعی، بلکه امری است مبتنی بر منابع معنابخش جغرافیایی (مکان، زمان و فضا). میزان تأثیر و تسلط هریک از این منابع، هویت‌های تکوین یافته در فضاهاى سنتی و مقیاس‌های محلی را، متفاوت از هویت‌های متکثر تکوین یافته در تمدن اطلاعاتی جلوه می‌دهد. پیش‌فرض‌های فراگفتمانی و انتخاب گزینه برخورد و تقابل در فضاهاى سنتی و ایدئولوژیک، مرزهای تعاملی بینا - هویتی (نقاط برخورد و فرجام آن) را بحران هویت و معنا قلمداد می‌کند. در حالی که اندیشه‌های دموکراتیک حاکم بر فضاهاى سرزمینی و فراقلمروزی در تمدن اطلاعاتی گزینه گفتمان را پیش‌روی خود قرار می‌دهند و براساس منطق هم‌این و هم‌آن، به جای نه این و نه آن، که معطوف به فضای گفتمانی دوسویه است، به هویت‌های سیال، پراکنده، متکثر و چندگانه فرصت ظهور می‌دهند؛ به گونه‌ای که مرزهای مجازی بینا - هویتی در آن، خطوط تعاملی و هویت متصور در چهارچوب رهیافت دموکراتیک آن، چندگانگی و تکثر هویت معنا می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تمدن اطلاعاتی، تکثر هویت، بحران هویت و معنا، گفتمان دوسویه، جهانی شدن.

\* - عضو هیئت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

\*\* - دانشجوی دکتری جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

## مقدمه

فرایند جهانی شدن (globalization) تاکنون از سوی نظریه‌پردازان مختلف کلاسیک و متأخر مورد نقد و بررسی قرار گرفته و هریک با رهیافتی نظری یا رویکردی اجرایی به انحصار مختلف آن را فرایندی تعمیمی یا پروژه‌ای تحمیلی به حساب آورده‌اند (غریب آبادی و علی آبادی، ۸۲، ۲۳) اما وجه مشترک اکثر این نظریه‌پردازان (David Harvey) این است که جهانی شدن را در قالب شرایط حاکم بر جامعه مدرن و یا مدرنیته متأخر بررسی کرده‌اند و با تکیه بر رهیافت‌های مختلف به تعاریف متفاوتی از جهانی شدن دست یافته‌اند. به طوری که طرفداران رادیکال (جهان‌گرایان) در بیشتر موارد جهان‌گستری یا جهانی شدن را فرایندی تعمیمی و اجتناب‌ناپذیر توصیف کرده‌اند، که از جانب کشورهای مرکز یا شمال در قالب برنامه‌ای از پیش تعیین شده و چهره‌ای نوین از امپریالیسم جهانی، قصد تسلط بر کشورهای جهان سوم (دیگرانِ پسا - استعماری) دارد و به گونه‌ای سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای جنوب را، نه دولت - ملت‌های (National - states) حاکم بر آنها، بلکه کشورهای شمال رقم می‌زنند. رهیافتی مخالف این، شکاکان جهانی شدن هستند که با انگشت نهادن بر تنوع فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی (Socioeconomic infrastructures) در فضاهای گوناگون جغرافیایی، تکوین و اشاعه چنین فرایندی را امری موهوم و غیرواقعی می‌دانند و با تأکید بر فطرت تنوع‌طلبی و تکثریسه انسانی، توان همگون‌سازی فرایند جهانی شدن را مقوله‌ای غیرقابل تحقق و اندیشه‌ای اتوپیایی قلمداد می‌کنند. گذشته از اینها (دو رهیافت یاد شده) در تحلیل فرایند جهانی شدن، استنتاج واقع‌گرایان (Realists)، نتولیبیرال‌ها (Newliberalists)، نئومارکسیست‌ها (Newmarxists) و رفتارگرایان (Behavioralists) متفاوت از هم است و در مقام انتخاب طریقی پارادوکسیکال و

تناقض‌آمیز را پیش‌پا می‌نهند. در این میان رهیافت نظری و حتی رویکرد عملی یک جغرافیدان در قبال این فرایند و نگرش چند سویه او به بازتاب‌های فضایی (Spatial reflections) آن، می‌تواند راهگشای فهم ماهیت هستی‌شناختی (Ontological) این پارادوکس‌ها و تضادها باشد. چرا که فلسفه پسامدرن (Postmodern) در میان اندیشه‌های فکری و فلسفی گوناگون تنها وضعیتی است که اساساً به واسطه معارضه با شالوده‌گرایی، ماهیت‌گرایی و رئالیسم - تضادها، تناقض‌ها و پارادوکس‌ها را در کنار هم می‌پرورد (آودی، ۸۰، ۲۹)؛ تولد تمایزها و کثرت‌ها را جشن می‌گیرد (تاجیک، ۸۱، ۷) و از فضا‌مندی کنش‌ها و برکنش‌های اجتماعی در فضایی بینامتنی سخن می‌گوید. حال که همسویی و همزمانی جنبش فلسفی پسامدرنیسم در اعتراض به تمامیت، عامیت و فراگیری به همراه موج سوم الوین تافلر، ظهور جامعه شبکه‌ای (Networking society) مانوئل کاستلز (Manuel castells) و چند سویه شدن روابط، در فضا‌های سرزمینی و بینامتنی<sup>۱</sup> تحقق عینی یافته است، تمدنی نوین و جهانی شمول نیز - که معطوف به اطلاعات محوری و دانش محوری است - فرصت ظهور یافته که تنها ثبات حاکم بر جامعه جهانی را بی‌ثباتی جلوه می‌دهد. ولی این تمدن دانش - محور (Knowledge based) و مبتنی بر دانایی، در عین کثرت‌گرایی (Pluralism) مبلّغ وحدتی است که؛ امر جهانی و محلی را نه بر روی هم یا در تقابل باهم، بلکه در کنار هم می‌نشانند و کل جهان را به مانند شبکه‌هایی سیال از نمادهای شناختی و زیبایی‌شناختی به نمایش می‌گذارد؛ بنابراین آنچه نوشتار حاضر به عنوان پرسشی آغازین در پی یافتن پاسخی درخور برای آنهاست، این است که: با برگزشتن از رهیافت‌های یکسونگر مرسوم در مورد فرایند جهانی شدن، رهیافت مناسب برای فهم تکثر حاکم، چندسویگی روابط،

<sup>۱</sup> - این واژه که مکرراً در متن مقاله تکرار شده است، مفهوم اساسی خود را از نظریات فلسفی هرمنوتیک مدرن گرفته و در بحث از هویت، فرهنگ و تمدن بدین مناسبت که هویت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را می‌توان با الهام گرفتن از فلسفه هرمنوتیک بسان متنهای ادبی مورد خوانش و بازخوانش قرار داد و روابط میان آنها را روابطی میان متنهای مختلف یا روابط بینامتنی فرض کرد.

فضامندی<sup>۱</sup> کنش‌ها و برکنش‌های اجتماعی کدام است؟ آیا گفتمانی هستی‌شناختی<sup>۲</sup> لازم است تا امنیت را از این نظر در قالب امنیت هویت بررسی کند؟ آیا تمدن اطلاعاتی در حال تکوین، هویت فضاها را محلی و سنتی را در تقابل باهم قرار می‌دهد - که بحران معنا و هویت واژه‌ای مناسب برای آن باشد - یا اینکه تکثر هویت فرجام آن است و رهیافتی دمکراتیک در فضای بینامتنی کلید حل معماست؟ نگارندگان مقاله رهیافتی پسامدرن<sup>۳</sup> برگزیده‌اند تا به این سؤالات نه با نگرشی استعلایی<sup>۴</sup> ایزاری<sup>۵</sup>، بل با نگرشی دانش‌محور و مبتنی بر دانایی، پاسخی در خور یابند؛ چرا که فرایند در حال تکوین جهانی شدن از منظر فکری و فلسفی در وضعیت پسامدرن فرصت تجلی یافته است و از این رهگذر تفسیر و تأویل آن بدون شکل مستلزم بررسی و شناخت بنیانهای فکری و فلسفی مسبق بر آن است.

۱ - فضا یا به معنای دقیق‌تر فضای جغرافیایی، از یک سو تولیدی اجتماعی یا حاصل مناسبات اجتماعی است که در نتیجه کنش کنشگران اجتماعی با مکانهای جغرافیایی، هر لحظه تولید و بازتولید می‌شوند و از سوی دیگر مؤلفه‌ای بنیادین در تحلیل و تأویل کنش‌های اجتماعی است. از این رو فضامندی بدین معناست که کنش‌ها و برکنش‌های اجتماعی در داخل فضاها جغرافیایی رخ می‌دهند و لذا هریک از مقولات یاد شده به نحوی فضامند هستند.

۲ - گفتار حاضر ناظر بر این است که هویت نه امری معرفت‌شناختی، عینی، ایزکتیو، مطلق و ثابت، بلکه امری هستی‌شناختی، حادث، موقتی، اکتسایبی، کدر و پیوندی است که مقوله امنیت را نیز به عنوان بعدی از حیات اجتماعی انسان در درون خود جای داده است. بر این اساس بررسی و تأمین امنیت یکی دیگر از موضوعات بااهمیت است که الزاماً توجه به مقوله هویت را می‌طلبد و بدینسان امنیت هویت کامل‌ترین و بهترین نوع امنیت است که به لحاظ ماهیت هستی‌شناختی خود در قالب گفتمانهای هستی‌شناختی قابل بررسی است.

۳ - رهیافت، اراده معطوف به نظر است در حالی که رویکرد، اراده‌ای معطوف به عمل است و رهیافت پسامدرن یعنی در پیش گرفتن بنیانی فکری و فلسفی در قبال شرایط کنونی جهان که وضعیت پسامدرن نام گرفته است.

۴ - نگاه متعالی، غیرتجربی و فراگیر رایج در دوره سنت که بیشتر مبتنی بر خرافات و احساسات و اندیشه‌های مذهبی و ماورایی بود.

۵ - یکی از ویژگی‌های دوره مدرن نگاه ایزاری، تکنولوژیک و تک‌ساختی آن به انسان بود که در نتیجه آن انسان مدرن، با تکیه بر یافته‌های علمی و تجربی جدید در مقابل نگرش استعلایی و غیرتجربی دوره سنت، تا حد حیوانی مکانیکی تنزل یافته است.

### مفهوم هویت

واژه هویت (Identity) از نظر لغوی از واژه Identitas مشتق شده است و به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می‌روند: ۱- همسانی و یکتاواختی مطلق ۲- تمایزی که در برگیرنده ثبات یا تداوم در طول زمان است. اگر چه این دو معنا متناقض و متضاد به نظر می‌آیند، در اصل به دو جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف‌اند (گل محمدی، ۸۰، ۱۴). هویت مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند. هویت‌ها معانی و مفاهیمی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به واسطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. مردم به دیگران می‌گویند که چه کسی هستند و مهم‌تر اینکه به خودشان نیز می‌گویند که کی هستند و سپس می‌کوشند به گونه‌ای رفتار کنند که از آن کسی که تصور می‌کنند، هستند، انتظار می‌رود (همان، ۱۷) مانوئل کاستلز فراسوی این معنای لغوی، هویت را سرچشمه معنا و تجربه برای مردم می‌داند و هویت را فرایند معناسازی براساس یک یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی می‌داند که بر دیگر منابع معنایی اولویت دارد (کاستلز، ۸۰، ۲۲).

بدیهی است که تصور از خویشتن یا هویت به لحاظ شکل نمادین و ذهنی آن واژه‌ای تناقض‌آمیز (Paradoxical) است که صاحب‌نظران و محققین گرایشات مختلف علوم اجتماعی را بر آن داشته تا هر کدام از منظری مجزا به آن بپردازند. اگرچه هویت جنبه‌های مختلف هویت فردی، ملی، قومی، مذهبی، فرهنگی و غیره را در بر می‌گیرد؛ همه آنها در داشتن منابعی هویت‌ساز و معنابخش باهم وجه اشتراک دارند؛ به گونه‌ای که هر جنبه از هویت، حیات نمادین خود را از منابعی هویت‌ساز طلب می‌کند و در چهارچوب این منابع هویت‌ساز است که نمود عینی می‌یابد و رخ می‌نماید.

نکته جالب توجه آنکه سهم منابع سازنده هویت در تکوین این هویت باهم مساوی نیستند. این سهم در گذر زمان کم و زیاد می‌شود و به همین لحاظ نیز تصور از خویشتن تغییر و تحول می‌یابد. گاهی یکی از این منابع به مؤلفه‌ای مسلط بر هویت تبدیل می‌شود و منابع دیگر را در حاشیه قرار می‌دهد، ولی دیری نمی‌پاید که یک منبع هویت‌ساز حاشیه‌ای، منبع مسلط موجود را از اریکه قدرت به زیر کشیده و خود جانشین آن می‌گردد (قریشی، ۱۳۸۱، ۳۸). همین منابع و مؤلفه‌های سازنده هویت، تصور از خویشتن را موضوعی جغرافیایی جلوه می‌دهند؛ به طوری که مهم‌ترین منابع سازنده هویت (مکان، فضا و زمان) مفاهیم بنیادین جغرافیا نیز هستند. فضا و زمان، مختصات و ابزارهای اصلی ساخت و حفظ هویت به شمار می‌آیند و تکوین هویت در بسترهای جغرافیایی را ممکن می‌سازند. همان عدم توازن مؤلفه‌های سازنده هویت و نابرابری سهم آنها در هویت‌سازی، در گذر زمان است که تصور از خویشتن، در فضاهای سنتی یا مقیاس‌های محلی و فضای جهانی یا مقیاس‌های سیاره‌ای را متمایز از هم نشان می‌دهد. بدینسان که مکانمندی فضا و زمان و پیوند تنگاتنگ مقوله زمان و فضا با مکان در جوامع سنتی و مقیاس‌های محلی، توان ساخت هویتی به مراتب مشترک و واحد به آنها می‌بخشد که این هویت‌ها در قالب ایدئولوژی‌های حاکم، در اکثر موارد به فراگفتمانی یکسویه در فضاهای متنی تبدیل می‌شوند. اما فشردگی فزاینده فضا و زمان و جدا شدن آنها از مکان در تمدن اطلاعاتی (Informational civil) و جامعه شبکه‌ای در حال تکوین، تکثری در خودفهمی‌ها و هویت‌ها به وجود می‌آورد که همگان هویت خود را در تعامل با غیر یا دیگری معنا می‌بخشند و با انتخاب گزینه گفتمان به جای برخورد، هویت‌هایی متکثر به وجود می‌آورند.

عرصه سیاست فرهنگی (Cultural policy) پسامدرن بسیار سیال‌تر از سیاستی است که تحت سلطه روایت‌های کلان<sup>۱</sup> مراحل اولیه سرمایه‌داری - بویژه روایت

<sup>۱</sup> - کلان روایت‌هایی مانند ایدئولوژی، طبقه اجتماعی و ... که تمامیت، عامیت و مطلق‌انگاری مشخصه اصلی آنها بود و ژان فرانسوا لیوتارد در کتاب وضعیت پسامدرن به شالوده‌شکنی آنها می‌پردازد.

طبقه اجتماعی - قرار داشت و سیاست تک بعدی «چپ» در مقابل «راست» را پرورش می‌داد. هم اکنون به دلیل تغییر در سرنوشت جوامع سرمایه‌داری و فروپاشی بدیل سوسیالیسم دولتی (فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۹۰)، فضای وسیع‌تری برای بیان منافع و علایقی که پیش از این مورد بحث قرار نمی‌گرفتند، به وجود آمده، که چشم‌گیرترین آنها فمینیسم و جنبش محیط‌زیست است. اما هویت‌های قومی و اشکالی از جماعت‌گرایی را نیز دربرمی‌گیرد (مشیرزاده، ۷۸، ۲۲۱).  
براین اساس علی‌القاعده در این مرحله هدف باید، بازشناخت عرصه و اشکالی باشد که معنا و هویت نوین در آنها متجلی می‌شوند و همانگونه که ین انگ (Ien Ang) می‌گوید: هر هویتی باید خود را در تعامل و گفتمان دوسویه با چهارچوب‌های فرهنگی - هویتی نظام جهانی تعریف و جایگاه خود را مشخص کند. حال با نظر به روابط میان امر محلی و جهانی و مشکلات موجود در بازتولید سوزده‌های محلی در قالب تمدنی مشترک (تمدن اطلاعاتی) و از چشم‌اندازی فراقلمروی به بررسی میزان صدق این پیش‌فرض‌ها می‌پردازیم (همان، ۲۲۳):

اول اینکه تمدن اطلاعاتی، فضایی گفتمانی و نیز معرفت‌شناختی برای همگان فراهم آورده که «حقیقت تجربه در آن» دیگر با مکانی که این تجربه در آن صورت می‌گیرد، تقارن ندارد و منابع و مصالحی، تکلیف معنابخشی و هویت‌سازی را به عهده گرفته‌اند که سرزمین به آنها شکل نمی‌دهد، بلکه فناوری‌های اطلاعاتی (Informational technology) و ارتباطات جهانگستر آنها را قوام می‌بخشند (همان، ۲۲۱).

دوم اینکه هویت‌های متکثر تکوین‌یافته، فراسوی منطق دو انکار و تک‌گفتار<sup>۱</sup> مدرنیته (Monologue logic) و مبتنی بر رهیافتی دیمکراتیک، نه یک بحران هویت - که فرجام آن استحاله فرهنگی - هویتی دولت‌های ملی و خرده‌فرهنگ‌هاست - بلکه تکثری بی‌خطر در هویت است که با نگاهی دوسویه به «خود» و «غیر» منطق

<sup>۱</sup> - منطق منولوگی مدرن که با تکیه بر روایت‌های کلان با فرض وجود دو سخنگو، حق سخن گفتن را فقط به خودش می‌دهد.

«هم این» و «هم آن» را جایگزین منطق «نه این» و «نه آن» ساخته (تاجیک، ۶، ۷۷) و امر جهانی و محلی را در کنار هم نشانده است.

### هویت در فضاهای سنتی و محلی

مذهب، زبان و نژاد از نظر فرانسیس فوکویاما (Feranses Fukuyama) مهم‌ترین عناصر هویت محلی هستند که برای درک واقعی هر یک از اینها، شناخت و درک منابع جغرافیایی سازنده هویت ضروری است (Fukuyama, 1998, P:3) همان‌طور که بیشتر بیان شد، هویت‌ها جملگی ساخته می‌شوند و اگرچه طبیعی به نظر می‌رسند، طبیعی و ذاتی نیستند. پس اگر هویت‌ها ساخته می‌شوند باید منابع و مصالحی نیز برای ساخت آنها وجود داشته باشد. به بیان دیگر هر جامعه‌ای باید منابعی هویت‌بخش و معناآفرین را در اختیار اعضای خود قرار دهد (گل‌محمدی، ۸۱، ۲۲۵). جستجوی هویت به عنوان منبع اصلی معنای اجتماعی، گرایش تازه‌ای نیست و هویت واقعی یا ساخته شده، از سپیده‌دم جامعه بشری همواره سرچشمه معنا بوده است (کاستلز، ۸۰، ۲۹). اما در میان منابع مختلف هویت‌ساز آنچه بیش از همه در جوامع سنتی و مقیاس‌های محلی ایفای نقش می‌کند، مکان و فضای مکانمند (Placefull) زمان و فرهنگ و در برخی موارد ایدئولوژی‌های حاکم هستند. مکان و سرزمین به عنوان مهم‌ترین عوامل جغرافیایی مؤثر در ساختن تصور از خویشتن، نه تنها با ممکن ساختن مرزبندی‌های عینی به واسطه ویژگی‌های جغرافیایی (کوه، رودخانه، دریا و غیره) نیاز به تمایز اجتماعی را برآورده می‌سازند، بلکه با تقویت مرزهای طبیعی، اجتماعی و فرهنگی هویت‌سازی را آسان‌تر می‌کنند. در جوامع سنتی و محلی این مرزها کم و بیش برهم منطبق بوده، همواره یکدیگر را تقویت می‌کنند. حتی مرزهای سیاسی و ملی هم در انطباق با مرزهای مکانی و سرزمینی، توانایی هویت‌بخشی بیشتری کسب می‌کنند (گل‌محمدی، ۸۰، ۲۲).

به طور کلی نقش محوری مکان و فضای مکانمند در هویت‌سازی و حفظ و بازتولید (Reproduction) هویت را این‌گونه می‌توان خلاصه کرد:



۶۳ □ چندگانگی هویت در تمدن اطلاعاتی (چشم‌اندازی جغرافیایی از فضای بینامتنی)

۱- هویت در درجه نخست ناظر بر تمایز از افراد و گروه‌های دیگر است: این همان تصور از خویشتن در مقابل «غیر» است و مکان با ویژگی مرزپذیری و قابل تجدید بودن در جوامع محلی، فاصله و تمایز میان «ما» و «دیگری» را امکان‌پذیر می‌نماید (همان).

۲- احساس تداوم و ثبات در طول زمان: در جوامع سنتی و محلی (Local) زمان به علت مکانمند بودن به خوبی از مسئولیت (Responsibility) هویت‌سازی برآمده و اطمینان از تداوم و وجود گذشته‌ای مشترک برای فرد و دیگر اعضای جامعه را سهل می‌کند. حتی جایگاه برجسته سنت در جوامع سنتی (Traditional society) هم از این نکته حکایت دارد (همان، ۲۷)

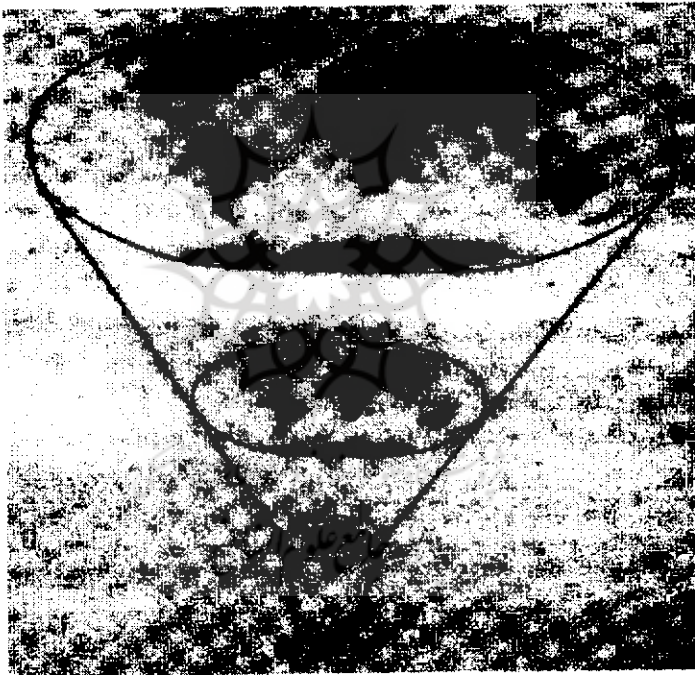
۳- احساس تعلق به جمع: احساس تعلق به جمع در حیطه منبع هویت‌ساز فرهنگ قرار می‌گیرد. فضای مکانمند و زمان مکانمند به عنوان نیروهایی بازدارنده، فرهنگ را نیز در دایره تنگ خود محصور می‌سازند که اساساً درهم‌تنیدگی هویت و فرهنگ (Culture) سبب‌ساز این محدودیت بوده (عیوضی، ۸۰، ۱۲۵). به کمک قابلیت تفاوت‌آفرینی و معنابخشی بالای فرهنگ در چنین جوامعی دنیای کوچک و نسبتاً بسته‌ای را پدید می‌آورد که مرزهای آن تقریباً نفوذناپذیر است (گل‌محمدی، ۸۰، ۳۰).

از این رهگذر منابع سازنده معنا و هویت در جوامع محلی، اکثر مواقع به کمک ایدئولوژی (Ideology) که فرآورده طبقه حاکم و توجیه‌گر شرایط حاکم بر این جوامع است (بشیریه، ۸۰، ۱۴) دنیاهایی منسجم، متراکم و پایدار می‌آفرینند که نه تنها مرزهایی ثابت و روشن دارند، بلکه فرهنگ‌های مطلق، برتر و توانا برای عرضه عناصر معنابخش و هویت‌ساز را نیز دربرمی‌گیرند (گل‌محمدی، ۸۰، ۳۲). مکانمند بودن منابع سازنده تصور از خویشتن در جوامع محلی و سنتی خود منجر به هویتی مکانمند، غیرمتکثر و منحصر به فرد می‌گردد که فاصله و تمایز میان «خود» و «غیر» اصل بنیادین آنهاست.

### هویت متکثر (Plural identity) در تمدن اطلاعاتی

در آغاز هزاره سوم میلادی شاهد تکوین فرایندی به نام جهانی شدن هستیم که تمدن اطلاعاتی (Information civilization) را به عنوان فرجام نهایی‌اش در مقیاسی سیاره‌ای بر جای می‌نهد. امروزه دانش بشری هر پنج سال دو برابر می‌شود. فشار ناشی از درخواست نیروی بازار، اشتغال و فشار نیروهای سیاسی برای تحقق شعار «حق داشتن ارتباط برای عموم مردم» و همچنین تمایل مردم به رفع نیازهای مادی و معنوی، امنیت (Security) و استمرار زندگی اجتماعی از طریق ایجاد ارتباط گسترده و آموزش مستمر، از یکسو، حضور مجموعه فناوری‌های اطلاعاتی (Informational technology) را پیش‌زمینه اصلی تمامی شئون زندگی مردم می‌سازد و از سوی دیگر فرصتی برای انسان‌های اجتماعی شده هزاره سوم پیش می‌آورد، تا بتوانند فعالیت‌های خود را از طریق شبکه‌های ارتباطی و استفاده از فناوری‌های جدید انجام دهند. در این دوره اطلاعات و دانش، ارزش پایه‌ای داشته و افکار و عقاید و ارزش‌های کیفی آنها تعیین‌بخش مرزها هستند (بیک‌زاده، ۷۷، ۳۰ و ۳۱). امروزه به کمک همین فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و با افزایش گسترده و سرعت جریانات سرمایه و توجه به ژئوپلتیک سرمایه، به گفته لشن و اوری مرحله نوینی از نظام سرمایه‌سالاری عنان‌گسسته و سازمان نیافته (Deorganizational capitalism) شکل گرفته است که با جریان، سیالیت و فروریزی مرزهای درون جهانی ویژگی می‌یابد (گل‌محمدی، ۸۱، ۱۰۴) از آنجا که جریان سرمایه همیشه و در طول زمان موضوعی عمدتاً جغرافیایی بوده است و سرمایه‌داری بدون امکانات ذاتی جغرافیایی و تجدید سازمان (Reorganization) از لحاظ مکانی و فضایی، مدتها پیش از این کارکرد خود را به عنوان نظامی سیاسی - اقتصادی از دست داده است (هاروی، ۸۰، ۶۴). دیوید هاروی با تأکید بر ژئوپلتیک سرمایه (Geopolitic capital) و نقش آن در صورت‌بندی (Formation) فضاهای جغرافیایی این مرحله از سرمایه‌داری را در وضعیت پسامدرن، به مثابه عبور

۶۵ □ چندگانگی هویت در تمدن اطلاعاتی (چشم‌اندازی جغرافیایی از فضای بینامتنی)  
 از شیوة تولید فوردیسم (Fordism) به شیوة پسا فوردیسم (Postfordism) توصیف می‌کند (سنیزوود، ۷۹، ۵۵) در قالب این نظام سرمایه‌داری پول، دیگر سرزمین پدری را نمی‌شناسد و هیچ بانک مرکزی و دولت - ملتی نمی‌تواند آن را کنترل کند (دراکر، ۷۴، ۲۵۷) و ارتباطات مکانیزه و الکترونیکی جریانات مالی هماهنگ بین‌المللی را به طور چشمگیری فشرده و لحظه‌ای کرده است (Waters, 2001. p:67).



فشرده‌گی فضا و زمان، از دیوید هاروی (شکوی، ۸۲، ۱۶۷)

سیونندان فرایند جهانی شدن را به عنوان تغییر دوران‌ساز کنونی جهانی معرفی می‌کنند (سیونندان، ۷۹، ۱۷۹) که به کمک سیستم ارتباطات نوین (International Communnation System) ظرفیت و گنجایش کنونی جهان را

برای جذب همه نوع بیان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی افزایش داده است (A. S Abou, 2003, p:1)

در داخل جامعه شبکه‌ای در حال تکوین، که منابع سازنده هویت دیگر مکانمند نیستند و مشخصه اصلی آن تکثر است (رجایی، ۸۲، ۱۳) و تعددگرایی فرهنگی و هویتی به نوعی مد روز تبدیل شده است (مشیرزاده، ۷۸، ۲۳۳)؛ در جهانی که به طور فزاینده‌ای درهم فشرده شده و اجزای موثق آن یعنی جوامع ملی و نظام روابط بین‌الملل هر روز بیشتر از گذشته در معرض الزامات درونی و بیرونی تکثر فرهنگی قرار می‌گیرند (رابرتسون، ۸۲، ۲۱۰) فضا (Space)، مکان (Place) و زمان (time) مفاهیم کلاسیک خود را از دست داده‌اند و فضای سرزمینی<sup>۱</sup>، فراتر و گرا و غیرمکانمند را فراتر از مرزهای جغرافیایی، طبیعی یا مرزهای تعریف شده در دولت - ملت‌های مدرن (وستفالیایی) فرصت ظهور داده است. نقش ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا در ساختن هویت و توجیه وضعیت حاکم را به حداقل ممکن کاهش داده و برخوردها و فراگفت‌آم‌نهای ایدئولوژیک<sup>۲</sup> سابق را به فضای گفت‌مانی دوسویه و بینا - تمدنی مبدل ساخته است. هویت، پرسش از کیستی و تصور از خویش‌تن در فضای سرزمینی (Territorial space) - که مرزهای مجازی (Virtual boundary) آن را اطلاعات، دانش و سرمایه شکل می‌دهند - گستره ارتباطات خود را جهانی می‌کند؛ هم از پدیده‌های دوردست اثر می‌پذیرد و هم بر پدیده‌های دور دست اثر می‌گذارد (گل‌محمدی، ۸۱، ۴۷) و تصور از خویش‌تن ماهیتی متکثر به خود می‌گیرد که قادر است امر محلی و جهانی را کنار هم بنشاند و به هم کنشگر اجتماعی توانی بخشد که در کنش (Pratic) با دیگر بازیگران اجتماعی (Social actors)، تصور از خویش‌تن

<sup>۱</sup> - یکی از بازتاب‌های اساسی فرایند جهانی شدن بویژه از منظر سیاسی تقلیل اقتدار دولت - ملت‌های مدرن و کم‌اعتبار شدن مرزهای جغرافیایی و سیاسی است اما در مقابل فضاهای جدیدی فراسوی مرزهای ثابت قبلی تکوین می‌یابند که بالطبع سرزمینی، فراتر و غیرمکانمندانه و در نتیجه بررسی، مطالعه و شناخت آنها از رهگذر دانش جغرافیایی مدرن امکان‌پذیر نبوده و ظهور جغرافیایی جدید و پسامدرن را به انتظار نشسته است.

<sup>۲</sup> - ایدئولوژی‌ها از جمله فرارویتهایی هستند که منطق گفت‌مان دوسویه اساساً با ماهیت آنها تضاد است.

را در تعامل با «غیر» معنا کند و فاصله کلاسیک میان «ما» و «دیگری» را به حداقل کاهش دهد. کثرت‌گرایی هویت‌تکوین یافته در تمدن اطلاعاتی، این ویژگی تکثر را از وضعیت پسامدرن و اتحاد آن با فناوری معاصر گرفته و شعور ملی و محلی هر بازیگر اجتماعی را به شعوری جهانی (Global perception) تغییر داده است (پیشگاهی‌فرد، ۸۰، ۶۷) که در عین کثرت به وحدت در هویت محلی، به عنوان مفهومی وابسته به فرهنگ اجتماع (guidikara, 2002, p:100) نیز پایبند است.

### بحران هویت و معنا از دیدگاه ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا

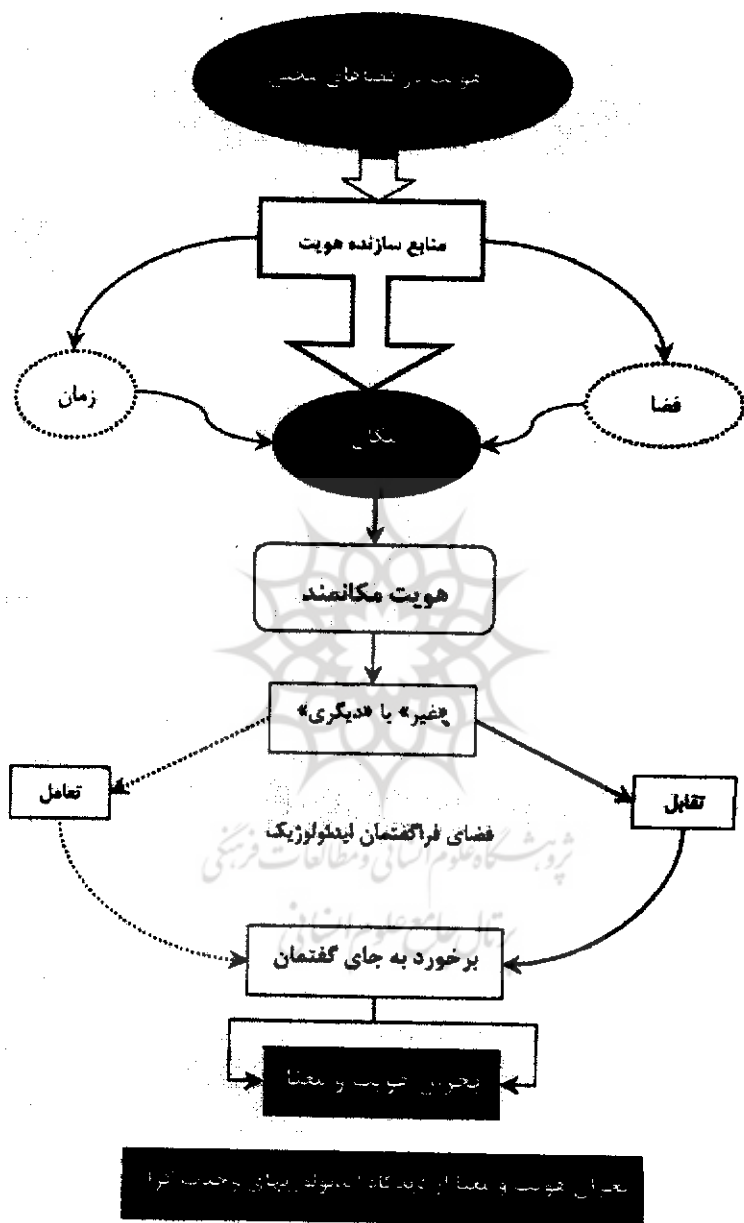
ایدئولوژی‌ها معمولاً در شرایطی که جامعه از نظر آگاهی، فرهنگ و اطلاعات و بویژه از نظر تفکر، دموکراتیک نیست، فرصت ظهور می‌یابند و جوامعی را که به هر عنوان دچار بنیادگرایی (Fundamentalism) و جزمی‌اندیشی (Dogmatism) هستند، مناسب‌ترین عرصه برای خودنمایی پیدا می‌کنند. هر یک بنا بر مانیفست ایدئولوژیک خود وضعیت حاکم و عرصه‌های تعامل (Interaction) و روابط فضایی (Spatial relationship)، کنش و برکنش‌های اجتماعی و فرهنگی را از منظر معیارهای (Criterion) خودشان به بوته آزمون می‌گذارند. لذا گرفتار گونه‌ای دگماتیسم، هر چند به شکلی نقابدار می‌گردند که در نتیجه آن، صورتبندی هویت خود را در تقابل با «غیر» معنا می‌کنند. بهترین تجلی عینی این امر را از لحاظ سیاسی و اجتماعی، می‌توان در نظام‌های تمامیت‌خواه و از نظر هنری و اندیشه‌زیباشناختی، در مشرب رئالیسم سوسیالیستی دید (مارکوزه، ۷۹، ۴۹). بنابراین هویت‌تکوین یافته در پهنه ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا هویتی مکانمند، مرزگرا و کلاسیک است که تمایز میان «خود» و «غیر» در آن مانع از فراهم آمدن فضای گفتمانی دوسویه میان هویت‌های متکثر می‌شود. در پاسخ به مقوله کنش متقابل «خود» و «غیر»، به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک می‌کنند و یا وجود هرگونه مسئله‌ای را انکار می‌کنند (رجایی، ۸۲، ۲۰) و در خلال فرایند جهان‌گستری و فرهنگ پسامدرن که

مبلغ کثرت‌گرایی یا پلورالیسم است، مسیری وارونه را می‌پیمایند و با تأکید بر عناصر تشکیل‌دهندهٔ هویت، مرزهای خود را در مقابل دیگران هرچه بیشتر پررنگ‌تر و مستحکم‌تر می‌کنند (قربان شیخ‌نشین، ۸۲، ۱۷۴). از بین رفتن تکثر و هویت فرهنگی فضاهاى محلى، رشد بنیادگرایی و تروریسم را به عنوان فرجام اصلی (Conclusion) جهانی شدن تلقی می‌نمایند و از بنیادگرایی به عنوان واکنشی فرهنگی در برابر جهانی شدن، از سوی جوانان خشمگین و از خودبیگانه در جوامع استعمارزده، یاد می‌کنند که در مقابل فرسایش هویت و امنیت از خود واکنش نشان می‌دهند و به بنیادگرایی‌های ملی، مذهبی و سیاسی توسل می‌جویند (قراگوزلو، ۸۱، ۹۵).

بنابراین، تقلیل‌گرا و حقیقت‌محور بودن ایدئولوژی‌ها سبب برخوردهای نرم‌ایتو (هنجاری) آنها با رویدادهای جهانی می‌شود (قوام، ۸۲، ۳۸) به طوری که بر مبنای منطق دو انگار و تک‌گفتار به جای گفتمان، منولوگی تک سویه را تجویز می‌کنند که اساس آن امتناع از گفتگو می‌باشد (گیدنز، ۸۴، ۷۹) و تعاملات بینا - فرهنگی بینا - هویتی<sup>۱</sup> را مساوی با استحالهٔ فرهنگی و هویتی، بویژه در کشورهای جهان سوم می‌دانند (ورجاوند، ۶۸، ۶۴) و فرایند جهانی شدن را بویژه در کشورهای جنوب موجد فاصلهٔ میان ملل، تمایزات قبیله‌ای و انفصال نگرش‌ها به حساب می‌آورند که متضمن خطر واکنش‌های هویت‌طلبانه نیز می‌باشد (شایگان، ۸۱، ۶۸)؛ چرا که تکثر و پراکندگی - که مشخصهٔ عمدهٔ فرایند جهانی شدن است - تنها از نظر ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا، بحران هویت و معنا (Crisis of identity and meaning) تلقی می‌گردد و تمام ایدئولوژی‌هایی که به شیوه‌ای غیردموکراتیک در پی ایجاد شالودهٔ هویتی واحد بر حول ارزش‌ها، آرمانها، ملیت‌ها و نژادها هستند موجب دوگانگی و تفکیک خودی و بیگانه می‌شوند (بشیریه، ۸۱، ۱۲۷) اما بدیهی است که

<sup>۱</sup> - هویت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در جهان امروز متنهای قابل بازخوانشی هستند که ارتباطی دوسویه و گفتمانی و تعاملی باهم دارند.

ایدئولوژی‌های حاکم در دهه‌های پیش از ۱۹۸۰ - که شدت و سرعت تحولات و دگرگونی‌های جهانی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی به این میزان نبود و خودفهمی‌ها و هویت‌ها این‌گونه سیال، چند پاره، متغیر و متکثر نبودند - در قالب منولوگ یکسویه خودشان به هیچ عنوان از بحران هویت و معنا سخن نمی‌گفتند (که قدر مسلم به نسبت برگشت در واحد زمان نمونه‌های بیشتر و برهین قابل قبول‌تری شاهد این مدعا هستند)، تنها پس از فروپاشی نظام‌های بلوک شرق و اتحاد شوروی و آغاز تکوین تمدن اطلاعاتی است، که روابط تکسویه فراتر از مرزهای عینی هویتی جای خود را به فضای گفتمانی دوسویه می‌دهند و با اشاعه نمادهای شناختی، معطوف به اطلاعات و نمادهای زیباشناختی، معطوف به مصرف (گل‌محمدی، ۸۱، ۱۰۴) غیرستیزی و یکسونگری ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا را به چالش می‌طلبند و خودفهمی‌هایی که ضرورت تغییر و تحول الگوهای ملی و محلی را برای هماهنگی با روح کلی حاکم بر جهان نمی‌پذیرند، دچار گسستی جدی میان خود و دیگری می‌سازند که بر سر دوراهی انزوا و تسلیم، فرجامی به جز شکست و بحرانهای امنیتی را ندارد (میرمحمدی، ۸۱، ۶۸). اما در این میان خودفهمی‌ها و هویت‌هایی که قوام فرهنگ و هویت جهانی را در پیوستگی متقابل هویت‌های محلی متنوع و هویت‌های فراقلمرویی و بی‌سرزمین (مشیرزاده، ۷۸، ۲۲۷) معنا می‌کنند، نه تنها دچار چالش، گسست، دوگانگی و از خودبیگانگی نمی‌شوند، بلکه با تغییر موضع خود از «غیرستیزی» به «غیرپذیری»، تکثر و پراکندگی هویت‌ها را، نه بحران هویت بل بحران ایدئولوژی‌های هویت‌ساز به حساب می‌آورند و در فضای گفتمانی تمدن اطلاعاتی فرصتی دو چندان برای ظهور و خودنمایی می‌یابند.





### گفت‌مان دمکراتیک، هویت‌های متکثر در تمدن اطلاعاتی

جهانی شدن مرحله‌ی نوینی را در تمدن بشر آغاز کرده که بر شیوه‌ی تولید اطلاعات مبتنی است. این شیوه برخلاف شیوه‌ی تولید صنعتی (فوردیسم) که یک جامعه‌ی صنعتی مبتنی بر تجدد را ایجاد کرد، ظاهراً به سمت جهان تناقض‌نمای یک تمدن - تمدن‌های بسیار<sup>۱</sup> میل می‌کند. جهانی که در آن در خصوص مفروضات بسیاری اشتراک نظر وجود دارد، اما هریک از مفروضات جلوه‌های گوناگون پیدا می‌کنند. این جهان نو اگرچه کل بشر را فرا می‌گیرد، اما به فرهنگ‌های مختلف هم مجال می‌دهد تا موازنه‌ی خود را با آن و درون آن برقرار سازند. داد و ستد عناصر گوناگون این تمدن جهانی (Global civil) به درکی پیچیده، تحمل و مدارا و مهم‌تر از آن، به بزرگداشت همگانی آینده یا به بزرگداشت یک جهان - جهانهای بسیار نیازمند است. این جهان تازه برخلاف تمدن صنعتی که کم و بیش به روایت غربی از تجدد متکی بود، به روایت‌های بسیاری مجال بروز می‌دهد و تمدنی را به بار می‌نشانند که از میان آن بسیاری می‌توانند بشکفند (رجایی، ۸۲، ۴۳). در روزگار ما دیگر تمدن متجانس و یکدست وجود ندارد و هرگونه صحبت از تقابل‌های دوسویه «غرب و شرق»، «غرب و دیگران» و «ما» و «غیر» همه در ترکیبات گوناگون، در سنت‌هایی متغیر و در منظومه‌هایی که هر دم از هم می‌پاشند و دوباره شکل می‌گیرند، از میان می‌روند و در عین حال قوام می‌گیرند (شایگان، ۸۱، ۴۴). براین اساس در فرایند کنونی تمدن اطلاعاتی در حال تکوین که هر روز بر گستره‌ی آن افزوده می‌شود، ثباتی که در سایه وحدت‌گرایی، تمرکز و از میان برداشتن تفاوت‌ها و حاکم ساختن گفت‌مانهای کلان حاصل می‌شود، از اصالت قالب تهی کرده، حالت تصنعی به خود می‌گیرد؛ زیرا

۱ - در جهان امروز امر محلی و امر جهانی به کمک زیرساخت‌های مختلف تکنیکی، ارتباطات جهان‌گستر، اطلاعات‌گرایی و تکوین جامعه‌ی شبکه‌ای در کنار همدیگر قرار گرفته‌اند؛ به طوری که در عین وجود یک تمدن مشترک اطلاعاتی یا یک جهان واحد، تمدن‌های متکثر بومی یا به عبارتی جهانهای بسیاری نیز وجود دارند که تعامل دوسویه و ارتباط افقی آنها هیچ‌گونه تنبانی با شرایط یادشده‌ی جهان امروز ندارد.

این گونه ثبات و تعادلی که در سایه قراردادها، قوانین، نهادها و سیاست‌های خاص ایجاد می‌شود، صرفاً جنبه صوری دارد (قوام، ۸۲، ۳۹).

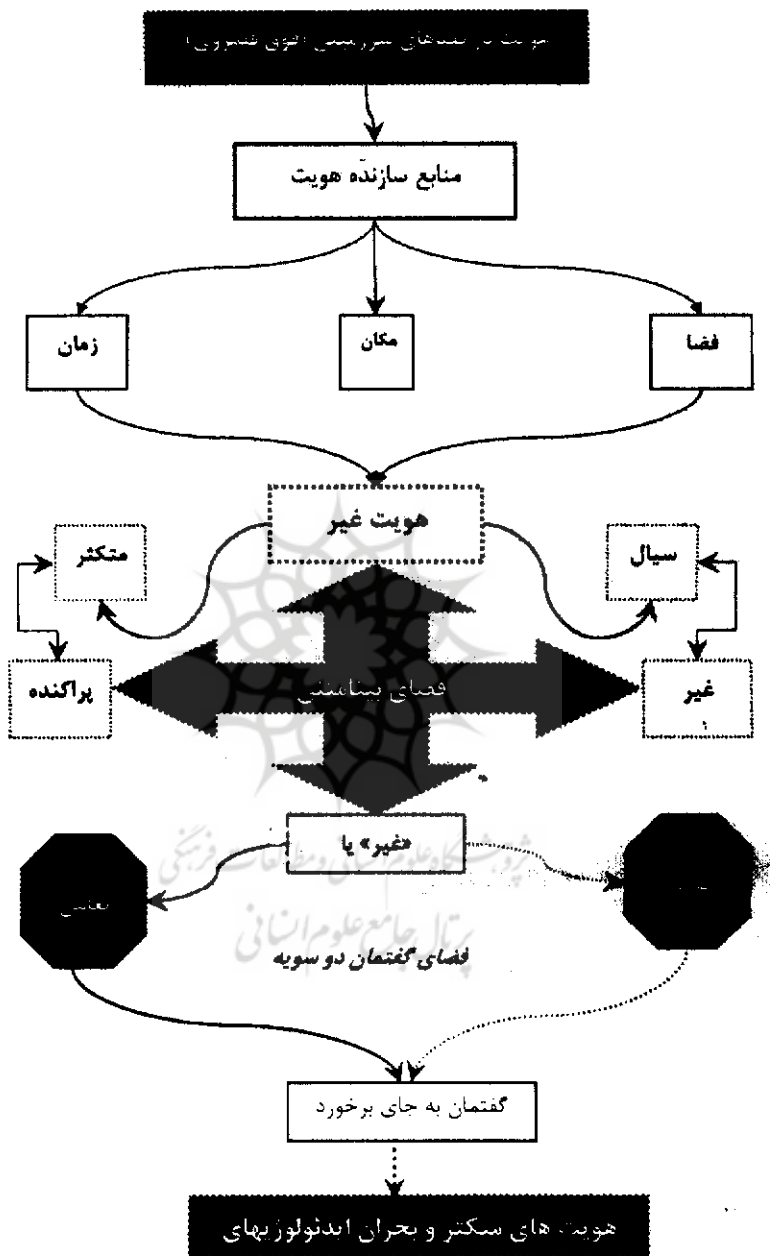
در مجموع، چندگانگی، تکثر و تنوع، تنها اصل ثابت جهان بی‌ثبات کنونی هستند که دز بستر وضعیت پسامدرن فرصت تجلی می‌یابند. در چنین شرایطی از میان شیوه‌های مختلف گفتمان در عرصه فرهنگ و هویت - که به گفته ویتگنشتاین هر کدام نوع بازی زبانی هستند - (لیوتارد، ۸۱، ۷۳) «بازی زبانی» مسلط یا گفتمان حاکم، گفتمان دوسویه - حدفاصل میان تفاهم و تضاد یا به عبارتی تکثرگرایی - است (خیبری، ۷۷، ۸۶) که براساس منطق تکرارپذیری، این نشانه‌های زبان‌شناختی و ماورای زبان‌شناختی، قابلیت تکرار شدن در بستر گفتماناتها و متن‌های گوناگون را دارند و یک نشانه و یا هویت معرفتی، آنگاه که جامعه زبان‌شناختی بر تن می‌کند مرز و بستر واحد و ثابت نمی‌شناسد (تاجیک، ۷۷، ۵۹) و تمام ندهای خاموش از یاد رفته و هویت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های پراکنده را به عنوان متنی از حاشیه به درون جامعه دمکراتیکی می‌کشد؛ که نه خود واحد است و نه مؤلف واحدی دارد.

جامعه شبکه‌ای یا تمدن اطلاعاتی در حال تکوین، گذشته از موارد یاد شده ظرفیت‌های بالقوه زیادی برای بسط و تعمیق دموکراسی و مردم‌سالاری، آزادی بیان، ارتقای کیفیت زندگی و تأمین حق انتخاب‌های دمکراتیک، تأمین حق دسترسی آزاد و همگانی به اطلاعات، تقویت، مشارکت اجتماعی و ... داراست (فرقانی، ۸۲، ۲) به گونه‌ای که به انحاء مختلف و با فراهم آوردن بسترهای مناسب، دموکراسی را یگانه نظام سیاسی متناسب برای حکومت بر مردمان اجتماعی شده هزاره سوم می‌داند که با ایجاد فرصتی تقریباً مساوی برای همه ندهای خاموش هویتی و فرهنگی در گستره عالم، فراسوی نگرش استعلایی و قدسی دوران باستان و نگرش ایزاری دوره مدرن به مقوله امنیت، کثرت مسایل امنیتی را (بویزه در حوزه امنیت هویت) در قالب دولت ملت‌های مدرن یا بنیادگرایی سنتی جستجو نمی‌کند (سیف‌زاده، ۸۰، ۲۱۴-۲۳۰) - بویزه اینکه کشورهای جنوب با گزینش رویکرد اجرایی یا رهیافت نظری انقباضی

۷۳ □ چندگانگی هویت در تمدن اطلاعاتی (چشم‌اندازی جغرافیایی از فضای بینامتنی)

در قبال تکثر هویت‌ها و فرهنگ‌ها، نگرشی استعلایی یا ابزاری در قبال آنها پیش می‌گیرند. بی‌حرکی، سستی و انعطاف‌ناپذیری ایدئولوژیک آنها مانع از به گوش رسیدن صداهای خاموش هویت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون می‌شود. بلکه به مقتضای برگزیدن رهیافتی آنتولوژیک (هستی‌شناسانه) معطوف به امنیت هستی‌شناختی یا امنیت هویت و نگرشی پسامدرن، فراسوی دیدگاه‌های کلی‌نگر و فراروایت‌گونه، تعامل موزاییک‌وار هویت‌های متنوع و متکثر را در کنار هم، بهترین آرامش فضایی پهنه سیاره زمین می‌دانند و با انگشت نهادن بر روی اراده‌گرایی، معناجویی، لذت‌گرایی و نهاد‌گریزی زمینه‌های لازم را برای انبساط شعاع فعالیت فردی، خرده‌فرهنگ‌ها، خرده هویت‌ها و رویکرد آنتولوژیک به مقوله امنیت فراهم می‌آورند.

فرایند جهانی شدن به یاری فناوری‌های اطلاعاتی و با هدف پیاده کردن دموکراسی اجتماعی جهان وطنی، در قالب اقدامات کوتاه مدت و بلندمدت، زیرساخت‌های کلی لازم در زمینه حکومت، اصول اخلاقی، اقتصاد و امنیت را فراهم و جهت‌گیری‌های همه‌سویگر و جهانی آن را ترسیم کرده است (هلدومک گرو، ۸۲، ۱۵۲) به طوری که از نظر دیوید هلد دموکراسی برای هزاره جدید باید جهانی را تبیین کند که شهر آن شامل شهروندهای چندگانه باشد. آنها باید هم شهروندان جوامع خود باشند، هم شهروندان مناطق وسیع و گسترده که در آنها زندگی می‌کنند و هم شهروندان جامعه جهانی، جهانگرایانه (صدوقی، ۸۰، ۱۵). بر این بنیاد در غیاب ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا و هویت‌ساز و فراگیر و در جامعه شبکه‌ای که مبتنی بر دانایی است، هویت‌ها، خودفهمی‌ها و تصورات از خویشتن همواره سیال، متحول و ناتمام‌اند و در مقابل اغیار مختلف، شکل می‌گیرند و تحول می‌یابند. بنابراین تکثر و پراکندگی در خودفهمی‌ها و هویت‌ها در چنین رهیافت دموکراتیک و دانش - محوری به هیچ روی بحران هویت و معنا تلقی نمی‌شود بل بحران ایدئولوژی هویت‌ساز لقب می‌گیرد.



هویت در فضاهای فراقلمروی - رهافت دمکراتیک در فضای بینامتنی

### نتیجه‌گیری

پرسش از کیستی و چیستی و هویت یا تصور از خویشتن پرسشی فلسفی است که به طرزی جغرافیایی بروز می‌یابد (خلیلی، ۷۷، ۱۰۹). از آنجا که تمام جنبه‌های هویت بر ساخته می‌شوند و منابعی سازنده و معنابخش آن هستند، لذا ماهیتی کاملاً جغرافیایی دارند که بویژه از چشم‌اندازی فراقلمروی، فضایی و بینامتنی، موضوعی عمدتاً جغرافیایی تلقی می‌گردند. مکان، فضا و زمان از جمله منابع هویت‌ساز هستند که نگرشی سراسر بین محصول آنها، یعنی تصور از خویشتن را در حیطه فکر و عمل جغرافیدان قرار می‌دهد، تا با نگرشی جغرافیایی، ویژگی هویت‌های مرزگرا و مکانمند تکوین‌یافته در جوامع محلی و سنتی را با هویت‌های متکثر و غیرمکانمند تکوین‌یافته در فضاهای متنی و بینامتنی تمدن اطلاعاتی در مقیاس سیاره‌ای مقایسه کند و از چشم‌اندازی همه‌سویگر بازتابش‌های فضایی هر کدام از آنها را در وضعیت حاکم بر بهنه گیتی نمایان سازد؛ به طوری که با در پیش گرفتن رهیافت فوق در فرجام نوشتار حاضر روشن می‌شود که ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا به واسطه رهیافت‌های انقباضی و انعطاف‌ناپذیری ایدئولوژیک خود تکثر و پراکندگی هویت‌ها را بحران هویت و معنا به حساب می‌آورند و در مقابل نظام‌های دمکراتیک یا رهیافت‌های دمکراتیک برخلاف ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا، این تکثر و تعدد را مشخصه غالب تمدن اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای در حال تکوین تلقی کرده و تکثر نمود یافته در مقوله هویت را، نه بحران هویت بل بحران ایدئولوژی‌های معنابخش و هویت‌ساز محسوب می‌کنند. بنابراین کشورهای در حال توسعه (جنوب) نباید ناخودآگاه در سایه نفی و انکار مطلق پیامدهای فرایند جهانی شدن از یکسو حفظ استقلال و اجتناب از وابستگی به آن. از سوی دیگر جامعه را به سمت قشری‌گرایی، رکود و عقب‌ماندگی و عصبیت‌های غیرمنطقی - که حاصلی جز تشدید شکافهای موجود، واماندگی علمی، صنعتی و تکنولوژیک و در نهایت فروپاشی ملی ندارد - سوق دهند بلکه باید میان فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از گسترش این فرایند تمایز قایل شوند و

از سنجه‌ها و شاخص‌های یکسانی برای آزمون آنها استفاده نکنند. به علاوه مجموعه نظام اجرایی و سیاستگذاری کلان کشور بایستی با اتخاذ استراتژی‌هایی که متناسب با نیاز و شرایط عصر حاضر است و با کسب بینش نوین از تحولات و روندهای جاری جهان و هدایت روشنفکرانه، به صورت فعال توأم با عقلانیت و شناخت کامل از ابعاد مثبت و منفی جهانی شدن با آن مواجه شوند. تردیدی نیست که هرگونه برخورد انفعالی توأم با افراط و تفریط با این واقعیت جهانی و اتخاذ مواضع تسامح‌گرایانه، انتخاب گزینه برخورد به جای گفتگو، برخورد سخت‌افزاری با جریان نرم‌افزاری، تمایز میان «خود» و «غیر» عوارض و پیامدهای جبران‌ناپذیری برای این کشورها خواهد داشت (میرمحمدی، ۸۲، ۸۱). تا جایی که در نهایت اتخاذ رهیافت غیرآنتولوژیک در قبال مقوله امنیت و در قلمرو بحران هویت متصور در ایدئولوژی‌های وحدت‌گرا، نه تنها امنیت هستی‌شناسانه را در قلمرو هویت‌های متکثر نتیجه نخواهد داد، بل خود مبلغ عدم امنیتی خواهد بود که تنها برگزیدن ابزاری از جنس خودش قادر است موازنه امنیتی فضاها، متنی و بینامتنی را به نفع صداهای خاموش و نفسهای محبوس در سینه هویت‌های پراکنده، سیال و متکثر سرتاسر گیتی تغییر دهد.

شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

#### منابع

- ۱- آودی، رابرت (۱۳۸۰)، «پست‌مدرن، یک تعریف دایره‌المعارفی، از کتاب *پست مدرنیته و پست مدرنیسم*»، ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری، انتشارات نقش جهان.
- ۲- آکسفورد، باری (۱۳۷۸)، «*نظام جهانی اقتصاد، سیاست و فرهنگ*»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران.
- ۳- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، «*تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (اندیشه‌های مارکسیستی)*»، جلد ۱، نشر نی.

- ۷۷ □ چندگانگی هویت در تمدن اطلاعاتی (چشم‌اندازی جغرافیایی از فضای بینامتنی)
- ۴- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، «تحول خودآگاهی و هویت‌های سیاسی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱۱.
- ۵- بیگزاده، محمد (۱۳۷۷)، «گفتگوی تمدن‌ها و فناوری اطلاعات»، *فصلنامه گفتمان*، شماره ۳.
- ۶- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۰)، «نگرشی ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن»، انتشارات آراین.
- ۷- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، «گفتمان سیر دبیر»، *فصلنامه گفتمان*، شماره ۵.
- ۸- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «بینامتن‌ها / بنیاتمدن‌ها، بحثی در جغرافیای مشترک تمدن‌ها: *فصلنامه گفتمان*، شماره ۳.
- ۹- خبیری، کابک (۱۳۷۷)، «گفتگوی تمدن‌ها، چارچوب تئوریک»، *فصلنامه گفتمان*، شماره ۳.
- ۱۰- خلیلی، محسن (۱۳۷۷)، «درآمدی بر بایستگی‌های ورود ایرانیان به عرصه گفتگوی تمدن‌ها»، *فصلنامه گفتمان*، شماره ۳.
- ۱۱- دراکر، پیتر اف (۱۳۷۴)، «جامعه پس از سرمایه‌داری»، ترجمه محمود طلوع، انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۲- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲)، «جهانی شدن (تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی)»، انتشارات ثالث.
- ۱۳- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، «معرکه جهان‌بینی‌ها (در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان)»، شرکت انتشارات احیاء کتاب.
- ۱۴- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، «پدیده جهانی شدن (وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی)»، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات آگاه.
- ۱۵- سینزوود، الن میک (۱۳۷۹)، «مدرنیته، پسامدرنیته یا سرمایه‌داری»، ترجمه مهران مهاجر، از جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری (واقعیت و اسطوره) انتشارات آگاه.

- ۱۶- سیوندان، ای (۱۳۷۹)، «سرمایه‌داری، جهانی شدن و تغییرات دوران‌ساز»، ترجمه مه‌رمان مهاجر، از جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری، انتشارات آگاه.
- ۱۷- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۰)، «جهانی شدن، رهیافت‌های نظری و رویکرد اجرایی نسبت به مسایل امنیتی در داخل»، مجموعه سخنرانیها و مقالات ارائه شده در همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
- ۱۸- شایگان، داریوش (۱۳۸۱)، «افسون‌زدگی جدید (هویت چهل تکه و تفکر سیار)»، ترجمه: فاطمه ولیانی، انتشارات فرزانه.
- ۱۹- شکوئی، حسین (۱۳۸۲)، «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»، جلد ۲ (فلسفه‌های محیطی و مکتبهای جغرافیایی)، انتشارات گیتاشناسی.
- ۲۰- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۰)، «تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی»، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۱- عبوضی، محمدرحیم (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و هویت‌های قومی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۰.
- ۲۲- غریب‌آبادی، کاظم و مهدی‌علی‌آبادی (۱۳۸۲)، «جهانی شدن و تحول در مؤلفه‌های سیاست خارجی»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هجدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۲.
- ۲۳- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲)، «جامعه اطلاعاتی جهانی، گذر از الگوی حاکم»، ارائه شده در دومین سمینار میان منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی - تهران ۱۱ و ۱۲.
- ۲۴- قراگوزلو، محمد (۱۳۸۱)، «جهانی شدن»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال شانزدهم، شماره نهم و دهم.
- ۲۵- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۸۱)، «نظام جهانی، جهانی شدن فرهنگ»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال شانزدهم، شماره نهم و دهم.



۷۹ ❏ چندگانگی هویت در تمدن اطلاعاتی (چشم‌اندازی جغرافیایی از فضای بینامتنی)

۲۶- قریشی، فردین (۱۳۸۱)، «جهانی شدن و تحول در تصور ما از خویشتن»،

*فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم.

۲۷- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، «جهانی شدن و جهان سوم (روند جهانی شدن و

موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل)»، مرکز چاپ و انتشارات وزارت

امور خارجه.

۲۸- کاستلز، مائونل (۱۳۸۰)، «عصر اطلاعات، جلد اول (جامعه شبکه‌ای)»،

ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، انتشارات طرح نو.

۲۹- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، «جهانی شدن (فرهنگ و هویت)»، نشر نی.

۳۰- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و بحران هویت»، *فصلنامه*

*مطالعات ملی*، سال سوم.

۳۱- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن»،

*فصلنامه مطالعات ملی*، سال سوم.

۳۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، «گفتارهایی دربارهٔ یکپارچگی جهانی (جهان

رهاشده)»، ترجمه علی‌اصغر توحیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، انتشارات علم

و ادب.

۳۳- لیوتارد، ژان - فرانسوا (۱۳۸۱)، «وضعیت پست مدرن»، ترجمه حسینعلی

نوذری، انتشارات گام نو.

۳۴- مارکوزه، هربرت (۱۳۷۹)، «بعد زیباشناختی»، ترجمه داریوش، مهرجویی،

انتشارات هرمس.

۳۵- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۱)، «جهانی شدن، ابعاد و رویکردها»، *فصلنامه*

*مطالعات ملی*، سال سوم.

۳۶- ورجاوند، پرویز (۱۳۶۸)، «پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی»،

شرکت سهامی انتشار.

نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز ۸۰

۳۷- ویتگنشتاین، لودویگ (۱۳۸۱)، «فرهنگ و ارزش»، ترجمه امید مهرگان، انتشارات گام نو.

۳۸- هاروی، دیوید (۱۳۸۰)، «جغرافیای قدرت طبقاتی»، ترجمه حسن مرتضوی، از مانیفست پس از ۱۵۰ سال، انتشارات آگاه.

۳۹- هلد، دیوید و آنتونی مک گرو (۱۳۸۲)، «جهانی شدن و مخالفان آن»، ترجمه مسعود کرباسیان شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- 1- A, S, Abou, Manal (2003), "**Cultural Globalization and Changes in the Urban Form of Metropolis Cities**", www.google.com.
- 2- Fukuyama, F, (1989), "**Discussion with DR About Economic Globalization and Culture**", by Merrll Lynch, et al.
- 3- Water, M, "**Globalization**" (2001), 2<sup>nd</sup> Edition, Routledge.
- 4- Water, M, "**Globalization**" (1995), London, Routledge.